



### حسین بافکار

کارشناس ارشد جغرافیا، دبیر و مدرس ضمن خدمت ناحیه ۲ قم

### چکیده

در اواخر دوره صفوی در پی سیاست کوچ اجباری عشایر، برای تقویت مرزهای غربی کشور و مقابله با سپاه عثمانی طوایفی از شاهسون‌ها به شمال شرق بغداد نزدیک کرکوک کوچ داده می‌شوند. ولی هنگام فتح بغداد توسط نادر، این شاهسون‌ها به کلات نادری بازگردانده می‌شوند که به همین جهت به آن‌ها بغدادی گفته می‌شود. بدنه اصلی ایل پس از انتقال به خراسان با وقوع قتل نادر (در دوره زندیه) به نواحی فارس مهاجرت می‌کند و در دوره قاجاریه در نواحی مرکزی کشور به بیلاق و قشلاق می‌پردازد و در دوره پهلوی به تدریج در شهرها و روستاهای نواحی مرکزی کشور یک‌جانشین می‌شوند. شیوه مکان‌گزینی ایل در استان قم و ایجاد تحول در پرورش دام و مداومت در فعالیت دامداری با تمام سختی‌های آن، به توسعه دامداری در قم و شکل‌گیری شهرک‌های تخصصی دام انجامیده است. این تجربه موفق یک‌جانشینی می‌تواند برای عشایری که تمایلی به یک‌جانشینی دارند، الگوی مناسبی باشد تا هم به فعالیت‌های مورد علاقه خود ادامه دهند و هم از سختی زندگی متحرک رهایی یابند. مقاله تألیفی - توصیفی حاضر، حاصل مطالعه کتابخانه‌ای و میدانی نگارنده و همچنین تجربه سال‌ها زندگی وی در میان ایل یک‌جانشین شاهسون بغدادی در قم است.

کلیدواژه‌ها: شاهسون بغدادی، یک‌جانشینی، استان قم

# جغرافیای تاریخی ایل شاهسون بغدادی



## مقدمه

شاهسون بغدادی یکی از شاخه‌های اصلی ایل بزرگ شاهسون است که ساختار و تحرکات گذشته ایلی خود (رفتن به ییلاق و قشلاق) را ندارد. جمعیت این ایل در شهرها و روستاهای نواحی مرکزی کشور یک‌جانشین شده است، ولی روش مکان‌گزینی ایل از نظر جغرافیایی در استان قم جالب توجه و از ویژگی خاصی برخوردار است، زیرا با اینکه از یک‌جانشینی ایل سال‌های سال می‌گذرد، هنوز بسیاری از افراد نسل پیشین و نسل کنونی ایل به فعالیت دامداری و فعالیت‌های وابسته به آن اشتغال دارند و حتی فعالیت مورد علاقه خود را توسعه داده، به الگویی مناسب از دامداری دست یافته‌اند. به طوری که موفق شده‌اند در زندگی شهری نیز همانند زندگی ایلی نقش تولیدی داشته باشند. همچنین از نظر فرهنگی موفق شده‌اند تا حدودی اصالت فرهنگی خود را حفظ کنند، در حالی که سایر افراد ایل که در برخی نقاط کشور یک‌جانشین شده‌اند این ویژگی‌ها را ندارند و به طور کامل در زندگی شهری هضم شده‌اند. در مقاله حاضر به پیشینه تاریخی و جغرافیایی، همچنین به تجربه موفق یک‌جانشینی ایل در استان قم پرداخته می‌شود.

## پیشینه تاریخی و جغرافیایی ایل شاهسون بغدادی

وجه تسمیه این گروه از شاهسون‌ها به بغدادی به سیاست کوچ اجباری عشایر در تاریخ کشور مربوط می‌شود. سیاست کوچ اجباری عشایر که معمولاً با اهداف سیاسی و نظامی توسط سلاطین ایران طرح و اجرا می‌شد، همواره در ادوار مختلف تاریخ ایران سابقه داشته

است. این سیاست گاهی برای تضعیف قبایل متمرد و مخالف دستگاه حکومتی صورت می‌گرفت که در این حالت انسجام و یکپارچگی قبایل بزرگ از هم می‌پاشید و آثار زیان‌باری برای سازمان‌های عشایری که تنها منبع تأمین نیروی نظامی بودند، به بار می‌آورد. گاهی هم دولت‌ها برای تقویت مرزهای ناآرام و مورد تهدید دشمن، طوایف و تیره‌هایی از قبایل بزرگ را در مناطق مرزی اسکان می‌دادند. در این میان، دشت مغان (جایگاه اصلی ایل شاهسون) با وجود واقع شدن در حساس‌ترین نقطه کشور... همواره از مهم‌ترین منابع تأمین نیرو برای مرزهای شرقی و غربی و جنوبی کشور بود و گروه‌های سواره نظام عشایر آن، هنگام احساس نیاز، داوطلبانه یا به اجبار همراه با خانواده به مناطق مورد نظر اعزام و در جهت پاسداری از وطن جان‌فشانی می‌کردند. در دوره صفویه و افشاریه نیز این نوع مهاجرت‌ها ادامه داشته است (عزیززاده، ۱۳۸۵: ۱۶۲-۱۶۱ با اندکی تغییر).

در زمان شاهسلطان حسین صفوی (۱۲۹۹ق) طوایفی از ایل شاهسون به شمال شرق بغداد (منطقه کرکوک) کوچ داده می‌شوند. آنان حدود هفتاد طایفه بودند و مأموریت داشتند از مرزهای غربی کشور محافظت کنند. ریاست ایل براساس فرمان شاه برعهده قاسمعلی‌خان از طایفه کوسه‌لر ایل بود (محیط، ۱۳۹۲: ۲۹-۲۸). مستوفی تاریخ این مهاجرت شاهسون‌ها را با چند سال تأخیر روایت می‌کند. وی می‌نویسد: «در زمان سلطنت نادرشاه در حدود دوازده هزار خانوار از دشت مغان به سرپرستی دو برادر (به نام‌های) قاسمعلی خان و قره‌بگ، به منظور حفاظت از مرزهای غربی ایران به آن سمت

کوچ داده شدند» (افشارسیستانی، ۱۳۶۸: ۲۱۱).

البته این نوشتار از تاریخ مهاجرت قاسمعلی خان و ایلش به مرزهای غربی درست به نظر نمی‌رسد، زیرا قاسمعلی خان و ایلش تا اواخر سال ۱۱۴۶ق یعنی زمان حمله نادر به بغداد، آنجا حضور داشته‌اند. سپس به فرمان نادر به سمت خراسان کوچ داده می‌شوند. در واقع شاهسون‌های بغدادی در دوره نادر به ایران کوچانده شده‌اند نه اینکه از دشت مغان به بغداد رفته باشند. در منابع تاریخی هرچند به‌طور مستقیم به این مهاجرت شاهسون‌های بغدادی اشاره نشده است، ولی میرزا مهدی خان استرآبادی در ذیل وقایع نخستین حمله نادر به بغداد از کوچانیده شدن گروهی از طوایف اهل بغداد به خراسان می‌نویسد: «دو هزار خانوار طایفه بیات که در هشت فرسخی کرکوک نشیمن داشتند، ایشان را کوچانیده روانه نیشابور ساختند» (استرآب دی: ۱۹۰-۱۹۱).

بیگدلی درباره کوچ شاهسون‌ها می‌نویسد: فرمان حرکت صادر و لحظه حرکت فرا می‌رسد، همگی به راه می‌افتند. ایل به راه خود می‌رود و قاسمعلی خان همراه نادر به راه خود، هر دو سوی کلات در خراسان می‌روند. این حرکت در اواخر سال ۱۱۴۶ق یا اوایل سال ۱۱۴۷ق (۱۱۱۲ش) صورت گرفته است (بیگدلی، ۱۳۷۴: ۱۴۷).

بدنه اصلی ایل بغدادی پس از انتقال به خراسان با وقوع قتل نادرشاه (در دوره زندیه) به نواحی فارس مهاجرت کرد و در اوایل حکومت قاجار در مناطق ساوه، قزوین، همدان و نواحی مجاور استقرار یافت و رشته کوه خرقان همدان با حکمی رسمی به‌عنوان محل بورت طایفه‌های آن تعیین شد. ساوه، نقرش، قم، همدان، ملایر، زنجان، قزوین، کرج، شهریار، ورامین، تهران و مناطقی از کردستان و کرمانشاهان از دوران ناصرالدین‌شاه تاکنون مناطق اسکان و استقرار این ایل بوده‌اند. ولی طایفه‌ها و تیره‌های گوناگونی از این ایل در مناطق مختلف ایران، عراق، ترکیه و سوریه پراکنده است. (حسنی، ۱۳۸۱)

همچنین طبق برآوردهای انجام‌گرفته طبق جدول (۱)، ایل شاهسون بغدادی قبل از یک‌جانشینی، دارای دو شعبه لک و آرخلو، ۳۱ طایفه، ۲۰۵ تیره و ۵۶۶ گوگک بوده است. (محیط، ۱۳۹۲: ۵۱۴).

جدول ۱: برآورد طایفه‌ها، تیره‌ها و گوگک‌های ایل شاهسون بغدادی قبل از یک‌جانشینی

طایفه‌ها و تعداد تیره‌ها و گوگک‌های بخش آرخلو			طایفه‌ها و تعداد تیره‌ها و گوگک‌های بخش لک		
ردیف	نام طایفه	تعداد تیره	ردیف	نام طایفه	تعداد گوگک
۱	کوسه لر	۳۱	۱	کلوند	۴۰
۲	یارجانلو	۱۴	۲	قاسملو	۳۰
۳	مخته بندلو	۵	۳	سولدوز	۴۸
۴	ذللر	۴	۴	حسین خانلو	۱۴
۵	احمدلو	۱۱	۵	دوگر	۱۲
۶	قاراقویونلو	۶	۶	کرملو (کرلو)	۴
۷	الی قوردلو	۹	۷	قرنلو	۲۰
۸	حقی جانلو	۷	۸	خدرلو	۴
۹	ساتولو	۵	۹	غریب لکلو	۴
۱۰	قوتولو	۵	۱۰	موصولو	۱۴
۱۱	شرفلو	۵	۱۱	اتک باسانلو	۴
۱۲	چلیلو	۴	۱۲	خمسه لو	۴
۱۳	دولتوند	۴	۱۳	زیلفیلو	۴
۱۴	کرد	۵	۱۴	نقدورلو	۴
			۱۵	ذوالقارلو	۴
			۱۶	الوار (کاروانلو)	۴
			۱۷	نقاز (نیک گز)	۴
جمع	۱۴ طایفه	۱۱ تیره	جمع	۱۷ طایفه	۲۱۸ گوگک

(اقتباس از: محیط، ۱۳۹۲: ۵۴۸-۵۴۷)

## شیوه یک‌جانشینی و آثار شهرنشینی در زندگی افراد

### ایل

هر چند در برخی از منابع تاریخی تلاش شده نحوه یک‌جانشینی ایل مذکور همانند برخی ایلات طبیعی قلمداد شود، چنان‌که نوشته‌اند: «ایران ایلات زیادی داشته است. عده‌ای از آن‌ها به مرور تخته قاپو شده‌اند. یا با سایر مردمان کشور وصلت کرده و از خانه به دوشی و رحله شتاء و صیف آسوده شده‌اند. البته [بسیاری] دامپروری سابق را از دست نداده، مال و مواشی زیادی دارند. عرب‌ها، هداوند‌ها، سیل‌سپورها، بوربورهای ورامین کلکوه‌های مسیله، میش‌مست‌های فشافویه، الیکائی‌ها، افشارهای ساوجبلاغ، چگنی‌های قزوین، شاهسون‌های بغدادی ساوه، بیات‌های زرنند، زندیه قم و ملایر و شاید خلج‌های قم و ساوه از این قبیل‌اند. در سایر ولایات ایران هم از بقایای این ایلات تخته قاپو شده زیادند... این طرز تخته‌قاپو را باید تخته قاپوی طبیعی نامید.» (مستوفی، ۱۳۷: ۵۰۵-۵۰۶). ولی واقعیت درباره تخته قاپوی ایل شاهسون بغدادی چیز دیگری است، زیرا از سال ۱۳۰۶ش سرپرست ایل (فتح السلطان) به‌طور رسمی حکم اسکان دائم ایل را از دولت وقت دریافت می‌کند و تا سال ۱۳۱۵ قسمت اعظم ایل اسکان پیدا می‌کند. اما پس از شهریور ۱۳۲۰ دوباره بسیاری از شاهسون‌های بغدادی به بیلاق و قشلاق می‌پردازند و محمدعلی خان صمصامی (آخرین رئیس ایل) با دریافت حکم ریاست ایل از فرمانداری ساوه تا سال ۱۳۳۶ سعی می‌کند ایل را سامان‌دهی و احیا کند. اما اختلافات داخلی و درگیری با خوانین محلی و تأثیرات ناشی از سقوط مصدق در ترکیب گروه‌های قدرت و موارد دیگر، موجب از کف رفتن بیلاقات متعلق به ایل و اسکان تدریجی آن در شهرها و روستاهای





## شاهسون‌هایی که به استان قم مهاجرت کردند، مناطقی را در شهر قم به‌عنوان یورت‌های جدید (محل استقرار) زندگی خود

### انتخاب کردند که در گذشتهٔ نه‌چندان دور در تقسیمات سیاسی شهرستان قم یک روستا یا حومه به حساب می‌آمدند

شهر رفع می‌کرد. در واقع اگر مهاجران دیگر به جهت نداشتن سواد، مهارت و سرمایه به مشاغل کاذب یا کارگری، بنایی و باربری در شهر می‌پرداختند، افراد مهاجر ایل شاهسون بغدادی کارگر خود بودند و برای دیگران کار نمی‌کردند. نقش آن‌ها در شهر نیز مصرفی نبود، بلکه همانند نقشی که در زندگی ایلی داشتند نقش تولیدی بود و به جهت دسترسی به شهر می‌توانستند محصولات دامی، لبنی و تولیدی خود را به سهولت به‌طور مستقیم به دور از واسطه‌گری در بازار بزرگ شهر عرضه کنند و سود و منفعت خوبی به‌دست آورند و از فرآورده‌های تولیدی خود ارتزاق کنند و مانند شهرنشینان خوش‌نشین بیشتر درآمد خود را صرف تهیهٔ خوراک نکنند. همچنین زنان و دختران جوان ایل با داشتن زمینه‌های قبلی در بافت چادر، گلیم و قالی‌های پشمی، هر چه سریع‌تر مبادرت به یادگیری و بافت قالی‌های ابریشمی و کرکی در شهر کردند و با برپا کردن دارهای قالی در منازل، نقش مهمی در اقتصاد شهری شدهٔ ایل ایفا کردند.

البته خرید زمین‌های بزرگ در حومه‌ها و حاشیه‌های شهر برای مهاجران متمکن ایل یک مزیت مهم دیگر نیز داشت و آن این بود که با توسعهٔ روزافزون شهر و قرار گرفتن حومه‌ها و روستاهای نزدیک شهر در محدودهٔ کلان شهر قم، روزبه‌روز بر ارزش زمین‌های خریداری‌شده در شهر اضافه می‌شد. عشایری که در زندگی ایلی فقط سرمایه‌اش چند رأس دام بود و گاهی آن را به جهت بیماری یا بلایای طبیعی از دست می‌داد، در شهر نه تنها صاحب دام، بلکه صاحب ملک و مستغلات نیز شد. البته این ویژگی تنها مختص مهاجران شاهسون به قم نبود. حتی شاهسون‌هایی هم که به تهران رفتند، در ابتدا همین ویژگی‌ها را داشتند. محله‌های قلعه‌مرغی، جوادیه، شمیران نو، کشتارگاه، نظام‌آباد و شهرک صادقیه فعلی از جمله مکان‌هایی بودند که طوایف ایل در آنجا یکجانشین شده و به فعالیت دامداری پرداختند. هرچند که امروزه وضعیت مهاجران شاهسون قم با شاهسون‌های مقیم تهران به کلی

نواحی مرکزی کشور می‌شود (محیط، ۱۳۹۲). یکی از شهرهایی که به‌علت نزدیکی به مقر اولیهٔ ایل مورد توجه قرار می‌گیرد، شهر مقدس قم است که امروزه یکی از قطب‌های اصلی یک‌جانشینی شاهسون‌های بغدادی است و تا حدودی توانسته است اصالت ایلی خود را در آن حفظ کند. اقدام به مهاجرت در ابتدا توسط افراد جوان و خوش‌نشین ایل که کار و بار مناسبی در ایل نداشتند انجام می‌گیرد. در ادامه به علت موانع و سختی‌هایی که برای زندگی کوچ‌نشینی به‌وجود می‌آید، افراد دامدار ایل هم مجبور به مهاجرت می‌شوند. این مهاجرت‌ها تا اسکان کامل ایل تا اوایل انقلاب اسلامی ادامه می‌یابد. این گروه از افراد که از بضاعت مالی مناسب‌تری نسبت به خوش‌نشین‌های ایل برخوردار بودند. ابتدا به واسطهٔ اقوام و آشنایان مهاجرت و اقدام به خرید زمین و ساخت یک سرپناه برای خود و دام‌هایشان می‌کنند، سپس منزل و دام‌هایشان را به شهر انتقال می‌دهند.

### نکات مهم قابل توجه در شیوهٔ یکجانشینی ایل در

#### استان قم

در مهاجرت ایل به استان قم دو نکتهٔ قابل توجه وجود دارد که از نظر جغرافیایی مهم و از نظر اقتصادی و اجتماعی در سبک زندگی افراد مهاجر در یکجانشینی بسیار تأثیرگذار بوده است. این دو نکته عبارت‌اند از:

#### مکان‌یابی مناسب برای استقرار و دامداری در خانه‌های بزرگ

شاهسون‌هایی که به استان قم مهاجرت کردند، مناطقی را در شهر قم به‌عنوان یورت‌های جدید (محل استقرار) زندگی خود انتخاب کردند که در گذشتهٔ نه‌چندان دور در تقسیمات سیاسی شهرستان قم یک روستا یا حومه به حساب می‌آمدند. اطراف آن‌ها مملو از نهرهای آب و زمین‌های زراعی بود که دامداران مهاجر می‌توانستند در آنجا دامداری کنند و پس از برداشت محصولات زراعی با پرداخت مبلغ اندکی امکان تعلیف دام‌هایشان از پسماند محصولات زراعی وجود داشت. همچنین آنان به نوع جدیدی از دامداری در شهر توجه کردند و آن دامداری در خانه‌های بزرگ بود. در واقع همان‌گونه که در زندگی کوچ‌نشینی به فعالیت دامداری می‌پرداختند، در زندگی یکجانشینی نیز توجه آن‌ها معطوف به دام شد. به‌گونه‌ای که مصلحت دام را به‌راحتی اهل و عیال ترجیح می‌دادند. البته دلیل منطقی هم برای این کار وجود داشت. چون مهاجران به غیر از نگهداری و پرورش دام در امور دیگر تخصص و مهارتی نداشتند. در واقع مهاجران متمکن ایل به‌جای سرمایه‌گذاری در سایر امور اقتصادی شهر، در نوع دیگری از دامداری سرمایه‌گذاری کردند که آن، زندگی مشترک دام و انسان در شهر بود. به همین جهت، آنان با فروش چند رأس دام به خرید زمین‌های بزرگ و ساختن خانه‌های قلعه مانند و حفر چاه آب در آن برای دامداری در حاشیه و روستاهای حومهٔ شهر اقدام کردند.

مکان‌یابی مناسب و ساخت خانه‌های بزرگ، مزایای زیادی به همراه داشت، زیرا آنان با این کار می‌توانستند بر بسیاری از مشکلات مهاجرت که معمولاً مهاجران دیگر به هنگام مهاجرت به شهر با آن مواجه می‌شوند، فائق آیند و آن را به حداقل برسانند. این عمل نه‌تنها مشکل مسکن را برایشان حل کرد بلکه مشکل بیکاری آنان را نیز در

متفاوت است، زیرا در قم با اینکه طوایف ایل برای سال‌های طولانی یک‌جانشین شده‌اند. فعالیت دامداری با تحولاتی که در آن صورت گرفته هنوز رونق دارد و تا حدودی اصالت فرهنگی ایل نیز حفظ شده، ولی در تهران متأسفانه این فعالیت تولیدی مفید جای خود را به فعالیت‌های دیگر داده است. همچنین تجربه این نوع زندگی در شهر سبب شد نسل‌های جدید ایل از تحصیل و دانشگاه و گذراندن دوره‌های عالی علمی باز نمانند. وجود صدها جوان و نیروی انسانی تحصیل کرده و متخصص از ایل در سازمان‌ها و نهادهای لشکری و کشوری، علمی و فرهنگی، خود، گواه صدق مطلب است (اطلاعات میدانی نگارنده).

### یک‌جانشینی براساس طایفه و تیره

نکته جالب توجه دیگر در مطالعه یک‌جانشینی ایل، آن است که افراد مهاجر در حومه‌ها و روستاهای شهر قم براساس تیره و طایفه اسکان یافتند. در حقیقت همان‌گونه که هر طایفه و تیره در زندگی کوچ‌نشینی در بیلاق و قشلاق یورت خاصی داشتند، در یک‌جانشینی هم هر طایفه و تیره مکان خاصی را برای اسکان خود انتخاب کردند. این مسئله در تثبیت قدرت ایل در مکان‌های مورد استقرار و در منازعات محلی با گروه‌های بومی و گروه‌های مهاجر دیگر بسیار مهم بود. اما قبل از پرداختن به مقرهای اسکان طوایف و تیره‌های ایل،

بهتر است یادآور شویم هرچند در استان قم، به‌ویژه شهر مذهبی قم از تمام تیره‌ها و طایفه‌های ایل سون بغدادی قم زندگی می‌کنند. ولی در برخی از نواحی استان افراد برخی طایفه‌ها یا تیره‌ها غالب‌اند. این محل‌ها بیشتر به نام این طایفه‌ها و تیره‌ها نزد ایل سون‌ها شناخته می‌شود مانند، محله سولدوزها، محله حقی جانلوه‌ها، محله دللرها و... از این رو تقسیم‌بندی انجام گرفته از محله‌های ایل شاهسون‌نشین در این اثر به هیچ‌وجه به معنای عدم زندگی طوایف، تیره‌ها یا گروه‌های دیگر در این نواحی نیست (اطلاعات میدانی نگارنده).

**قلعه کامکار:** قلعه کامکار که امروزه شهرک کامکار نامیده می‌شود، قبل از توسعه شهر قم، روستایی در فاصله شش کیلومتری شمال غرب شهر قم بود. این مکان، قبل از یک‌جانشینی ایل، متشکل از یک قلعه و آب‌انبار بزرگ به نام کامکار بود. طایفه‌ای که از ایل سون‌ها در اینجا ساکن شدند از طایفه بزرگ کوسلر و تیره‌های وابسته بودند... آن‌ها در این مکان با حفر چاه و ساخت خانه‌های بزرگ قلعه مانند به زندگی و پرورش دام پرداختند. عطارد، غفاری، مطیع، باباخانی، فرخ، جهانی، دفتری، و... از جمله نخستین و معروف‌ترین خانواده‌های شاهسون‌های بغدادی هستند که در شهرک کامکار اسکان یافتند و قبل از اینکه سایر افراد مهاجر به این منطقه مهاجرت کنند، بیش از صد خانوار در این روستا زندگی می‌کردند که جملگی به نوعی با هم وابستگی فامیلی داشتند. البته هم‌اکنون نیز بسیاری از فرزندان همان شاهسون‌های اولیه در آن جا زندگی می‌کنند.

**کوزه‌گری:** کوزه‌گری نیز روستایی در پایین‌دست قلعه کامکار و در مجاورت میدان کشاورز فعلی و در فاصله حدود چهار کیلومتری

از مرکز شهر قم قرار داشت. این مکان به جهت وجود کارگاه‌های سفالگری و ساخت کوزه، در گذشته به این نام شهرت یافته است. این محدوده جغرافیایی هم از مکان‌هایی است که مانند منطقه کامکار مورد توجه طوایف و تیره‌های ایل سون بغدادی قرار می‌گیرد. در این مکان نیز تیره‌هایی از طایفه بزرگ کوسلر از جمله سرخابلو (سیرخولو)، اسماعیل‌لو، تمیرلو... اسکان می‌یابند و به فعالیت دامداری ادامه می‌دهند. دلدار، آزادمن، فرخ، قربانی، حق‌وردی، یلچی، یل و... از خانواده‌های معروف ایل در این مکان هستند.

**شادقلیخان:** شادقلیخان که امروزه نام شهرکی در شهر قم را به خود اختصاص داده، یکی دیگر از یورت‌های جدید ایل سون‌های بغدادی در قم است. این مکان که در جهت غرب شهر قم واقع شده است، ابتدا توسط عشایر یک‌جانشین خلج ایجاد شد و هنوز هم گروه زیادی از خلج‌ها در این منطقه زندگی می‌کنند، ولی با مهاجرت ایل سون‌های بغدادی به قم تیره‌های مختلفی از طایفه دللر در آنجا ساکن شدند و به فعالیت دامداری پرداختند و به جهت قربت فرهنگی با خلج‌ها هم اکنون زندگی مسالمت‌آمیزی را در جوار هم تجربه می‌کنند. البته گروه دیگری از دللرها در منطقه نیروگاه در محدوده چهارده متری امام حسین(ع) اسکان یافته‌اند. این گروه از

## فعالیت دامداری با تحولاتی که در آن صورت گرفته هنوز رونق دارد و تا حدودی اصالت فرهنگی ایل نیز حفظ شده، ولی در تهران متأسفانه این فعالیت تولیدی مفید جای خود را به فعالیت‌های دیگر داده است



دللرها نسبت به گروه ساکن در شادقلیخان زودتر یک‌جانشین شده‌اند. از خانواده‌های معروف طایفه دللر می‌توان به خانواده‌های شوکت‌مدار، شوکت، عزیزی، کلفتی، ذکایی، دوللو، آقایی، رشید و... اشاره کرد.

### محله کردها و شهید ستاری نیروگاه:

این منطقه در حد فاصل خیابان چهارده متری امام حسین(ع) تا میدان نبوت قرار دارد. این محدوده محل اسکان تیره کرد ایل و جزء تیره‌های پیوسته به ایل است. یورت اصلی این کردها در شهرستان ساوه روستاهای قره‌چای و شریف‌آباد است و هنوز هم گروهی از آن‌ها همان‌جا یک‌جانشین شده و به کشاورزی و دامداری می‌پردازند. ولی بسیاری هم در شهر قم به‌ویژه همین محله کردهای نیروگاه ساکن‌اند. این گروه از شاهسون‌ها ابتدا دامدار بودند، ولی امروزه تعداد کمی از آن‌ها فعالیت دامداری دارند. کردها به سه زبان کردی،

ترکی و فارسی مسلط‌اند. خانواده‌های بی‌غم، دلیر، شهلا، صادقی، کله‌ر، بغدادی، جبال‌فر، فرمانی و ورونده از خانواده‌های معروف تیره کرد ایل سون هستند. همچنین گروهی از تیره کیچکین‌علی از طایفه کوسه‌لر در انتهای خیابان ستاری زندگی می‌کنند. از خانواده‌های سرشناس این تیره می‌توان به خانواده‌های قربانی ثانوی، ذهلی، درستکار، گلناری و حیرتی اشاره کرد.

**محلّه مسجد ابوالفضل (ع):** این محدوده حدفاصل پارک نرگس در خیابان امامزاده ابراهیم (ع) و خیابان سوم خرداد شمالی قرار دارد. این محدوده بیشتر محل یک‌جانشینی ایل سون‌های مهاجر طایفه حقی جانلو است. حقی جانلوه‌ها نسبت به مسائل شرعی بسیار مقتیدند. در این مکان با همکاری افراد خیر و تشویق امام جماعت محترم مسجد اقدام به ساخت اماکن ماندگاری مانند مسجد، درمانگاه و داروخانه کرده‌اند که به مردم منطقه خدمات‌رسانی می‌کنند. نامدار، فتوتی، پارسی، دیانی... از خانواده‌های معروف طایفه حقی جانلوه‌ها در این محل هستند.

**مهرآباد:** نام محله‌ای در منطقه نیروگاه حدفاصل خیابان‌های ده متری علایی و سوم خرداد جنوبی است. در این محله نیز گروه زیادی از تیره‌های طوایف سولدوز، دللر، دوگر، تیره کرلو از طایفه کوسه‌لر و... ساکن‌اند. هر چند سولدوزها طایفه غالب در این محل هستند، این نقطه از اولین نقاطی است که در شهر قم مورد توجه مهاجران ایل سون‌های بغدادی قرار گرفت. از ویژگی‌های این محله شاهسون‌نشین وجود خانه‌های بزرگ در قواره‌های بزرگ ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ متری برای نگهداری دام است که امروزه به‌علت توسعه شهر قم، بیشتر این خانه‌های بزرگ به‌ویژه آنان که در نیش خیابان‌های اصلی هستند مبدل به انباری یا کارگاه‌های چوب‌بری و تعمیرات اتومبیل شده‌اند. طلایی، کهن، براتی، رحمانی، روح‌پرور، تیموری، کریمی، یاری، پیری و... از خانواده‌های سرشناس شاهسون‌های بغدادی هستند که در این مکان جغرافیایی سکونت دارند.

**زندآباد:** نام محله دیگری است که گروه دیگری از شاهسون‌ها در آن اسکان پیدا کرده‌اند. این محله در پایین‌دست محله مهر آباد، حدفاصل شهرداری منطقه امامزاده ابراهیم و میدان کشاورز قرار دارد. این مکان ابتدا توسط طوایفی از قوم زند ایجاد شده است که آن‌ها نیز همانند شاهسون‌ها به دامداری در شهر فعالیت داشتند و همزمان با آن‌ها در قم یک‌جانشین شدند. در این محله نیز گروهی دیگر از تیره‌های مختلف طایفه کوسه‌لر از جمله خداورنلو، علی بکلو، شنبه‌لو، ترکمن و... ساکن‌اند. این طایفه‌ها در ابتدای یک‌جانشینی و قبل از آمدن سایر مهاجران به این منطقه با طوایف زند منازعاتی داشتند، ولی به مرور زمان با اثبات خود، زندگی مسالمت‌آمیزی را در جوارهم تجربه می‌کنند و نسبت فامیلی هم پیدا کرده‌اند. آزاد، حقیقی، حقیقت، بهرامی، تدین، خوشرو، فیروزی، خرم، شاه‌حسینی، مطهری، نوروزی، مبارکی، حقیقی‌نیا، ترکمن و... از خانواده‌های سرشناس محل هستند.

**زیادآباد و محله‌های مجاور:** زیادآباد نام محله‌ای در خیابان

امامزاده ابراهیم و مجاور با مکان امامزاده است. این محله بافت قدیمی و کوچه‌های باریک دارد و نسبت به محله‌های نام‌برده قبلی از قدمت بیشتری برخوردار است. این محله و محله‌های مجاور آن نیز از محله‌هایی است که مورد توجه مهاجران شاهسون به‌ویژه طایفه حسین خانلو قرار گرفت. این گروه از شاهسون‌ها نسبت به گروه‌های دیگر سابقه شهرنشینی بیشتری دارند و بیشتر به حالت خوش‌نشین در شهر زندگی می‌کنند، هرچند هنوز کسانی از این طایفه هستند که به فعالیت دامداری یا فعالیت‌های وابسته به دام در جاهای دیگر استان می‌پردازند. قهرمانی، عزتی، نریمان، صادق، فتحی، ناصری، تندرو، خالدار، غدیری، رنجبر، صفرلو، رضایی و... از خانواده‌های سرشناس طایفه حسین خانلو هستند که در این محدوده سکونت دارند.

**دروازه چوبی:** دروازه چوبی محله‌ای در انتهای بلوار آیت‌الله کاشانی در محدوده هشت متری لوله و خط‌آهن است. این مکان همانند زیادآباد قدمت بیشتری نسبت به سایر نواحی شاهسون‌نشین قم دارد. این محدوده جغرافیایی هنگام مهاجرت مورد توجه طایفه والی و قره‌نلو (قره‌للی) ایل قرار می‌گیرد و در آنجا ساکن می‌شوند. این گروه از شاهسون‌ها در ابتدا دامداری می‌کردند، ولی به مرور زمان و رشد و توسعه شهر قم و به‌وجود آمدن نسل‌های جدید، کمتر به فعالیت‌های دامداری می‌پردازند. قرنلی‌ها و والی‌ها از خانواده‌های مهم و سرشناس ایل در این مکان هستند.

**بخش جعفرآباد:** جعفرآباد بخشی است که در جهت شمال غربی استان قرار دارد و از مکان‌های شاهسون‌نشین اصلی قم است. این مکان قبل از یک‌جانشینی به جهت داشتن چشمه‌ها و قنات‌های پُر آب و مراتع و بیشه‌زارهای غنی از مناطق قشلاقی ایل بوده است، اما در ادامه سیاست یک‌جانشینی عشایر و ممانعت از ورود دام‌های عشایر توسط اهالی کراوس همدان به بیلاق، همزمان با اصلاحات ارضی پهلوی دوم، شاهسون‌ها به برکت وجود منابع آب زیرزمینی غنی با حفر چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق در منطقه با ایجاد روستاهای جدید یک‌جانشین شدند و به تدریج در کنار دامداری سنتی، فنون زراعت و باغداری را هم به تجربه آموختند و با همت عالی، منطقه را با توجه به وسعت محدود خود مبدل به یکی از قطب‌های مهم کشاورزی استان کردند. از میان طوایف وتیره‌های ایل، گروهی از طوایف کوسه‌لر، قاسملو و احمدلو، با تیره‌ها و زیرشاخه‌های خود، نظیرمیخ توللو، قلیچ‌خانی، گیتین علی، الجلو، والی، عسگرلی، مصطفایی، شیخ لر، حاجیلو، قره‌محمدلو، نوری، جعفری، حیدری، فیروزی، عروچی و... در روستاهای مهم بخش جعفرآباد از جمله شهر جعفریه، روستاهای جعفرآباد، علی‌آباد انقلاب، نورآباد، الویر آباد، باقرآباد، عسگرلی، حیدرآباد بستان آباد، قزل‌آباد و... ساکن‌اند. (بافکار، ۱۳۸۶: ۸۶).

**دهستان قمرود:** گروه دیگر از شاهسون‌های بغدادی در دهستان قمرود در روستاهای البرز، قشلاق، کاج و محمدآباد و... که مجاور با دریاچه حوض سلطان است، اسکان یافته‌اند. البته این نواحی قبل از یک‌جانشینی محل قشلاق بعضی از طوایف غریب لکلو و قرنلو (قره‌لی) بوده است که پس از تخته قاپو شدن در همانجا ساکن شده‌اند و

با اصول بهداشت نگهداری دام از جمله واکسیناسیون و مبارزه با بیماری‌های دامی آشنا و موفق شدند با دریافت به موقع خدمات درمانی، از تلف شدن دام و سرمایه خود پیشگیری کنند.

افزون بر موارد ذکر شده، توسعه دامداری در حومه‌های شهر سبب شد، ده‌ها فعالیت متنوع مرتبط با دام مانند خرید و فروش دام در میدان دام، دست‌فروشی، خرید و فروش علوفه در کامیون و بنگاه، قضایی در مغازه، سلاخی در کشتارگاه، لبنیاتی، چوب‌داری (خرید به موقع دام‌های دشتی از استان‌های دارای دام و فروش آن به دامداران پرواربند در شهر)، کاروانسرا داری، باسکول‌داری، کارگری در دامداری، کامیون‌داری و وانت‌داری برای حمل دام و علوفه و... شکل بگیرد و برای افراد خوش‌نشین ایل اشتغال ایجاد کند. به بیان دیگر گسترش فعالیت دامداری در استان قم توسط ایل شاهسون بغدادی باعث شد، نه تنها زنجیره‌ای از مشاغل متنوع در دامداری برای افراد ایل بوجود آید، بلکه ظرفیت‌های کار برای افراد غیر ایل هم در قم فراهم شد (اطلاعات میدانی نگارنده).



**طرح ایجاد دامشهر که با  
واگذاری زمین به قیمت  
نازل همراه با وام‌های  
مناسب (البته نه با بهره  
مناسب) همراه بود، سبب  
شد خیلی از دامداری‌ها  
از محدوده شهر به**

**دامشهر منتقل شود و مشکلات  
بهداشتی شهر کاهش یابد**

#### توسعه شهر قم و شکل‌گیری شهرک‌های تخصصی دام

در دهه‌های اخیر به جهت رشد و توسعه سریع کلان‌شهر قم و قرارگرفتن دامداری شاهسون‌ها و سایر ایلات دامدار در محدوده شهر قم، دامداری‌ها مشکلات بهداشتی برای شهروندان قمی ایجاد کرده بود. به همین جهت شهرداری برای نگهداری دام ممنعت ایجاد می‌کرد، ولی مقاومت و پشتکار افراد ایل در نگهداری دام سبب شد که مسئولان شهری از جمله سازمان جهاد کشاورزی به فکر ایجاد مکانی برای نگهداری دام و انتقال دامداری‌ها باشند. به همین جهت برنامه تأسیس دو شهرک تخصصی نگهداری دام به نام‌های دامشهر (در شمال غرب شهر قم) و شهرک لبن (در جنوب شرق شهر قم) در دستور کار قرار گرفت. طرح دامشهر به جهت مکان‌یابی مناسب، یعنی قرارگرفتن در نزدیکی مقرهای اسکان ایل (مابین بخش غربی شهر قم و بخش جعفریه) مورد استقبال دامداران متمکن قرار گرفت. به طوری که: دامشهر در استان قم یکی از مکان‌های مهم در حوزه ورود و خروج دام کشور است که به نوعی ترمینال دام با ورود سالانه ۶۰۰ هزار رأس دام از ۲۹ استان کشور است و دام از قم به سمت ۲۶ استان کشور نیز خارج می‌شود ([www7.irma.ir/fa/](http://www7.irma.ir/fa/News/82094584))

این مجتمع که به مساحت ۶۶۴ هکتار در ۱۳ جاده قم - جعفریه احداث شده است، مشتمل بر چهار مجتمع پرواربندی گوسفندی (۸۰۴ واحد با ظرفیت حدود ۱۳۰ هزار رأس دام)، پرواربندی گوساله (۶۲۲ واحد با ظرفیت حدود ۴۰ هزار رأس)، میدان خرید و فروش علوفه و دام و ۳۲ باب کاروانسرای دامی است. این مجتمع قرنطینه است و ورود و خروج دام در آن کنترل می‌شود (مجتمع دامشهر [clinton.ir](http://clinton.ir))

طرح ایجاد دامشهر که با واگذاری زمین به قیمت نازل همراه با وام‌های مناسب (البته نه با بهره مناسب) همراه بود، سبب شد خیلی از دامداری‌ها از محدوده شهر به دامشهر منتقل شود و مشکلات بهداشتی شهر کاهش یابد، ولی هنوز برخی از دامداری‌های

کماکان به فعالیت دامداری سنتی و زراعت فعالیت دارند. ابن‌الرضا در این باره می‌نویسد: بخش عظیمی از ایل شاهسون در کوشک نصرت (در شمال دریاچه حوض سلطان) تا بوئین زهرای قزوین، در آبادی‌های کوچک ساکن شده‌اند. (ابن‌الرضا، ۱۳۷۱: ۱۰۰) انجام فعالیت اقتصادی در معادن نمک حوض سلطان از جمله فعالیت‌های دیگری است که برخی از قرنلواها (قره‌لی‌ها) به صورت پیمان‌کاری انجام می‌دهند.

#### آثار شهرنشینی بر فعالیت‌های اقتصادی افراد ایل

شاهسون‌های بغدادی در قم، نه تنها باعث رونق دامداری در قم شدند، بلکه با زندگی و اشتغال در حومه‌ها و حاشیه‌های شهر، به تدریج تحولاتی در دامداری خود به وجود آوردند. آنان که در دوره کوچ‌نشینی مبادرت به نگهداری دام‌های دشتی می‌کردند و تغلیف آن‌ها از طریق گیاهان مرتعی در مناطق بیلاقی و قشلاقی صورت می‌گرفت، در شهر آموختند به پرواربندی (پرورش دام با علوفه در آغل و آخور) روی آورند. به همین جهت دام‌هایی از نژادگردی و افشاری را جایگزین دام‌های بومی خودنژاد زندی کردند که در پرواربندی گوشت‌گیری بهتری داشت و اقتصادی‌تر بود. همچنین برخی از آنان به علت مجاورت با گاو‌داری‌های بزرگ در شهر آموختند که دام سنگین (گاو و گاومیش) را جایگزین دام‌های سبک (بز و گوسفند) کنند. به گونه‌ای که نگهداری از دام‌های سنگین هم از نظر گوشت‌گیری و هم از نظر شیردهی خیلی به صرفه و اقتصادی‌تر از دام‌های سبک بود، هر چند که نیاز به سرمایه‌گذاری بیشتری داشت. عشایر شاهسون بغدادی که در زندگی ایلی همانند سایر عشایر کشور بنا بر نیاز خود مبادرت به نگهداری انواع دام (دام‌های ترکیبی) می‌کردند، در یک‌جانشینی آموختند که این نوع نگهداری دام در شهر نمی‌تواند اقتصادی باشد، لذا باید به صورت تخصصی مبادرت به نگهداری یک نوع دام کنند. آنان در واقع آموختند که دام را برای فرآورده‌های لبنی یا تولید گوشت نگهداری کنند. همچنین به تدریج

است، به تدریج امکان ارتقا به دامداری‌های صنعتی را دارد. این نوع فعالیت دامداری نه تنها الگویی مناسب برای توسعه دامداری در سطح کشور است، بلکه می‌تواند الگویی برای عشایری باشد که تمایلی به یک‌جانشینی دارند تا هم به فعالیت‌های مورد علاقه خود ادامه دهند و هم از سختی زندگی متحرک رهایی یابند.



نمودار سلسله‌مراتب اجتماعی ایل سون بغدادی قبل از یک‌جانشینی (طرح از نگارنده)

#### پی‌نوشت‌ها

۱. طایفه بیات از طوایفی است که در تشکیل سپاه قزلباش و اتحادیه ایلی شاهسون‌ها نقش داشته است.
۲. گوبک در زبان ترکی به معنای ناف است و در ساختار ایلی، اجتماعی است که متشکل از سه یا حداکثر پنج نسل متوالی باشد.
۳. اطلاعات میدانی نگارنده در پایان‌نامه کارشناسی اعظم سرابیان قطبیه ثبت شده است.

#### منابع

۱. ابن الرضا، سید حسین (۱۳۷۹). *قم از نظر اقتصادی و اجتماعی*. چاپ پنجم. قم: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
۲. استرآبادی، مهدی (۱۳۷۰). *تاریخ جهانگشای نادری*، چاپ اول، تهران، سروش.
۳. افشارسیستانی، ایرج (۱۳۶۸). *مقدمه‌ای بر شناخت ایل‌ها و چادرنشینان و طوایف عشایری ایران*، جلد اول، چاپ دوم، تهران: مؤسسه آموزشی و انتشاراتی نسل دانش.
۴. بافکار حسین (۱۳۸۶). «بررسی توانمندی‌ها و محدودیت‌های کشاورزی بخش جعفرآباد قم». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، استاد راهنما پرویز کردوانی.
۵. بیگدلی، محمدرضا (۱۳۷۴). *ایل سون‌های شاهسون‌های ایران*. تهران: پاسارگارد.
۶. حسنی، عطاله (۱۳۸۱). *تاریخ فرهنگی ایل شاهسون بغدادی*. تهران: نشر ایل شاهسون بغدادی.
۷. سرابیان قطبیه، اعظم (۱۳۹۲). «مونوگرافی ایل شاهسون بغدادی استان قم». پایان‌نامه کارشناسی علوم اجتماعی، قم: دانشگاه پیام‌نور، استاد راهنما محمد علی حسینی.
۸. عزیززاده، میرنبی (۱۳۸۴). *تاریخ دشت مغان*، چاپ اول تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۹. مستوفی، عبدالله (۱۳۷۱). *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*، جلد سوم، چاپ سوم، تهران زوآر
۱۰. محیط، هرمز (۱۳۹۲). *تاریخ شفاهی ایل شاهسون بغدادی به روایت فتح سلطان*، چاپ اول، تهران: نگارینه.
۱۱. وبگاه مجتمع دامشهر (<http://clinton.ir>)
۱۲. وبگاه <http://www7.irna.ir/fa/News/82094584>

ایل در محدوده شهر فعالیت دارند. این گروه از دامدارها از تمکن مالی مناسب برای انتقال دامداری برخوردار نیستند و نیاز به توجه بیشتری از سوی مسئولان دارند تا به فعالیت مفید و اقتصادی خود ادامه دهند. در غیر این حالت علی‌رغم علاقه‌ای که به نگهداری دام دارند با ممانعت‌هایی که برای فعالیت آن‌ها ایجاد می‌شود، مجبور خواهند بود فعالیت مورد علاقه خود را رها کنند و به جمع بیکاران جامعه اضافه شوند، در حالی که دامداری با خون و رگ و پوست آنان عجین است. آن‌هایی هم که به عللی دام را رها کرده و به دیگر فعالیت‌ها مشغول‌اند. هر وقت دامی را می‌بینند با علاقه خاصی به آن توجه می‌کنند. زیرا آن را سراسر مفید و سودمند می‌دانند و حسرت روزهایی را می‌خورند که دامدار بوده‌اند. حتی برخی از تحصیل کرده‌های ایل به هنگام بازنشستگی، سرمایه و پس انداز خود را در بخش دام سرمایه‌گذاری می‌کنند.

#### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

به یقین نحوه یک‌جانشینی و فعالیت اقتصادی ایل شاهسون بغدادی در استان قم یک تجربه موفق و استثنا در امر یک‌جانشینی عشایر در سطح کشور است. همچنین شکل‌گیری دامشهر در استان قم، اتفاق مبارکی است. که امکان پدیداری آن در سایر نواحی و استان‌های کشور وجود دارد. این شهرک که یک شهرک عمده در پرورش و فروش دام سبک و سنگین در سطح کشور است و درصد قابل توجهی از گوشت قرمز کشور را تولید می‌کند، با مدیریت بهتر و حمایت از دامداران که در حال حاضر به شکل نیمه صنعتی